

□ احمد ساعتچیان

ژاله صامتی بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون و دانشجوی رشته نمایش است. وی کار بازیگری را با نمایش «کاکاسیاه» آغاز کرد و پس از آن در نمایش و سریال‌های مختلف تلویزیونی حضور یافته است که در این میان می‌توان به یحیی و گلابتون، سفر به سرزمین ملانک، چراغی برای شبانگاه و پیگرد اشاره کرد. صامتی برای نخستین بار در دت یعنی دختر ساخته ابوالفضل جلیلی بازی در سینما را تجربه کرد و در سایه به سایه علی ژکان درخشید. آخرین فیلم او خفاش نام دارد اثر علی اصغر شادروان که هم اکنون در حال نمایش است. به همین بهانه گفتگویی با این بازیگر جوان انجام دادیم که امیدواریم مورد توجه خوانندگان قرار گیرد. در همین جا به علاقمندان بازیگری وعده می‌دهیم که این گفتگوها را با سایر بازیگران جوان نیز ادامه داده و به این طریق روزنه‌ای بر شیوه و چگونگی مفهوم بازیگری بگشاییم.

□ کار بازیگری را از کجا شروع کردید و اساساً از چه زمانی به بازیگری علاقمند شدید؟

□ من از اداره تئاتر و با نمایش کاکاسیاه شروع کردم. در آن زمان کار موفقی بود حتی سفری هم به آلمان داشتیم و یک سال و نیم در تهران اجرا کردیم. بعد از آن کار سینمایی را شروع کردم، وارد دانشگاه شدم و در رشته نمایش ادامه تحصیل دادم. و اکنون هم سال چهارم رشته نمایش هستم.

□ از هنر بازیگری چه تعریفی دارید؟

□ به نظر من تعریف خاصی ندارد بیشتر زندگی است و زندگی تعریفی ندارد.

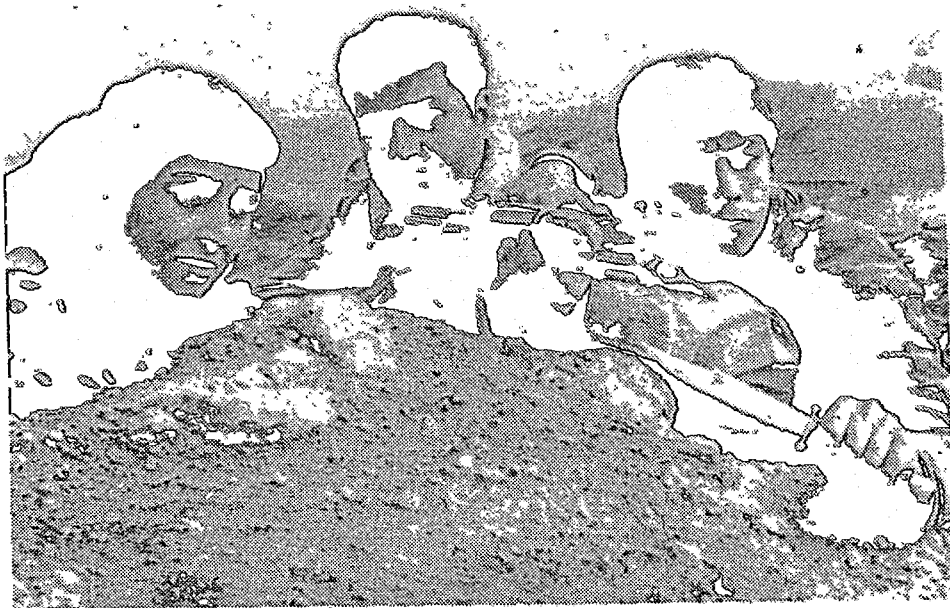
□ بازیگری امر ساده‌ای نیست اینکه جای کسی دیگری باشید، بازی در نقش‌های متفاوت چگونه است؟

□ وقتی که به شخصیتی که قرار است بازی کنم فکر می‌کنم ناخودآگاه در من حلول می‌کند و تاکنون رسماً نتوانسته‌ام متمرکز بشوم و بگویم که امروز می‌خواهم در مورد این نقش فکر کنم. کم‌کم حس می‌کنم تمام رفتارهایم تغییر می‌کند. اینها زمانی بوجود می‌آیند که به آن شخصیت نزدیک می‌شوم و بیشتر ذهنی ایجاد می‌شود و در اختیار شخص من نیست و تاکنون هم دو کار مشابه به هم نداشته‌ام.

□ پس به نظرتان مسئله غریزی بازیگری یک جوهره درونی است؟
□ بله دقیقاً.

□ بعنوان یک بازیگر ابعاد مختلف نقش را چگونه به بیننده انتقال می‌دهید؟

□ از خود مردم گرفته می‌شود. کار خاصی انجام نمی‌دهیم. بنظرم همه آدمها تمام ابعاد انسانی را دارا هستند. خوبی یا بدی، حسادت، غرور، گذشت، ... منتهی در بعضی‌ها بارزتر می‌باشد. تعدادی مهربانند و عده‌ای دیگر اخمو. دلیل بر این نیست که این آدم اخمو، آدم بدی باشد. ولی بازیگر این ابعاد را پررنگ‌تر می‌کند و آنها را از درون خود به بیرون منتقل می‌کند. خوب مثلاً حالا من قرار است نقش یک آدم بدجنسی را بازی کنم، آن حس بدجنسی در اصل حس بدجنسی خودم می‌باشد. یعنی ژاله صامتی هم آدم بدی می‌تواند باشد همانطور که می‌تواند مهربان نیز باشد. من همیشه معتقدم که بازیگرها فقط کمی جسورتر هستند. در غیر اینصورت فرقی با آدمهای عادی نداریم.



□ اولین باری که جلوی دوربین قرار گرفتید چه احساسی داشتید؟

□ من هیچ وقت دوربین را ندیدم. شخص من اولین کارم دت کار آقای ابوالفضل جلیلی بود که تاکنون نیز توقیف می‌باشد، سال دوم دبیرستان بودم و یک سکانس هم بیشتر بازی نداشتم و بخاطر همین نقش برای بازی در فیلم دشت ارغوانی انتخاب شدم. دوربین را اصلاً حس نکردم و علت آن را هم به نظرم این بود که بازی نکردم.

□ چقدر کارگردان در بازی و آرایه نقش بهتر مؤثر است؟
□ خوب خیلی مهم است. بازیگر وقتی با کارگردان راحت باشد و بالعکس؛ البته بازیگرها با یکدیگر متفاوتند عده‌ای دوست دارند کار خودشان را بکنند و دسته دیگر مایلند که کارگردان به آنها بگوید که چکار باید بکنند. معیارها متفاوتند.

□ بیشتر سعی می‌کنید مطیع و تابع کارگردان باشید؟
□ بهر حال کسی که از بیرون نظاره‌گر کار می‌باشد بهتر می‌داند. معمولاً من با چنین افرادی زیاد برخورد نکرده‌ام و اکثراً آن چیزی را که آنها خواهان انجام دادن آن بوده‌اند، بازی کرده‌ام.

□ چقدر به شناخت مشخصی بعنوان یک بازیگر رسیده‌اید؟

□ بعضی وقتها از خاطر می‌رود که یک بازیگر، سوار اتوبوس می‌شوم و متوجه می‌شوم که مردم به یکدیگر اشاره می‌کنند که فلانی را ببین. در آن موقع احساس می‌کنم مگر من چه اشکالی دارم. بعد از چند لحظه بخود می‌آیم که من

در فلان فیلم یا سریال بازی کرده‌ام و باقی قضایا... و سپس مردم جلو می‌آیند و از آدم سؤال‌های متفاوتی می‌کنند. آن موقع تازه به یاد می‌آورم که یک بازیگرم.

□ وقتی در فیلم یا سریالی که بازی می‌کنید و بعد به تماشا می‌نشینید می‌توانید از نظر احساسی از آن دور شوید؟

□ من زمانی که کار می‌کنم خورد و خوراک و خلاصه زندگی‌ام آشفته می‌گردد. و تأثیر بدی برایم دارد. بعضی می‌گویند پس مسئله تکنیک چه می‌شود. تکنیک درست ولی با تأثیر نقش بر روی بازیگر بسیار است. کسی که انکار کند راست نمی‌گوید، امکان ندارد که به جای کسی بازی کنم و از نقش تأثیر نگیرم. مثلاً برای بازی به شهرستان می‌رویم چند ماه مجبوریم حالات و لهجه یک شهرستانی را بازی کنیم و قرار باشد هیچ تأثیری هم نگیریم؟ و در مورد اینکه کارهایم را تماشا کنم کم پیش می‌آید که حس خوبی داشته باشم مثلاً احساس می‌کنم در این صحنه کم کاری کرده‌ام، به دلایل مختلف. بطور مثال من همیشه سعی کرده‌ام کارهایی که قرار است دوبله شود، حتی آن شخصیت را از خودم دور نکنم.

□ آیا تاکنون نقشی را پذیرفته‌اید که به خودتان نزدیک باشد؟

□ گلابتون تنها نقشی بود که به خودم نزدیک بود تا حدودی هم دشت ارغوانی. در نمونه‌های دیگر فیلم‌هایم نیز بوده‌ام اما نه به شدت این دو.

□ کدامیک از کارهایتان را بیشتر می‌پسندید؟

□ سایه به سایه تنها کاری است که راضی‌ام چون همه چیزش درست بود.

□ کار با آقای ژکان چطور بود؟

□ کارگردان بسیار مسلطی است. من شخصاً خیلی راضی بودم و بازیگر را راحت می‌گذارد.

□ به نظر تان بازیگرانی که از تئاتر به سینما می‌آیند چقدر در نحوه انجام بازی‌شان تفاوت دارد. یا تفاوت بازیگری در تئاتر و سینما چگونه است؟

□ خوب بازیگری که از تئاتر می‌آید خیلی بهتر است چون مرحله بسیار ویژه‌ای را گذرانده است. بازی در تئاتر و سینما چندان تفاوتی با یکدیگر ندارند. فقط بازیگری در سینما کمی ظریف‌تر است. چیزی اضافه ندارد. آنهائیکه از تئاتر می‌آیند ظرافتها را بهتر می‌توانند درک و بازی کنند برای اینکه درشت آن را انجام داده‌اند و حالا می‌خواهند ریز آن



صنایع چوب و فلز استحکام

تولید کنند

انواع لوازم اداری

دفتری، منزل

نمایشگاه : دروازه دولت

سه‌دی شمالی ، شماره ۱۳۳

تلفن : ۷۵۳۰۵۵۱ - ۷۵۳۲۱۰۳ - ۳۷۴۵۱۲۸

را انجام دهند.

□ سینما برایتان چقدر مهم است و چقدر با آن زندگی می‌کنید؟

□ خب خیلی مهم است من به همان اندازه که تئاتر را دوست دارم به سینما نیز علاقمندم. من از تئاتر شروع کردم، تحصیلاتم در همین رشته است و حتی اطلاعات نمایشی‌ام بیشتر است ولی بازی در سینما را نیز خیلی می‌پسندم.

□ جایگاه زنان بازیگر را در جامعه امروزی ما چگونه می‌بینید؟

□ من فکر می‌کنم که جسورترین زن‌های جامعه ما کسانی هستند که وارد عالم هنر می‌شوند و زندگی می‌کنند و هنوز هم پس از سالیانی که سپری گشته خیلی‌ها نگاه ناباورانه‌ای به این حرفه دارند. خیلی‌ها اصلاً باور نمی‌کنند این حرفه می‌تواند مقدس باشد و آدم‌های پاکی هم در آن حضور دارند. همچنان ذهن مردم از جریانات قبل از انقلاب مسموم است.

□ ضعف بازیگری در سینما و تلویزیون را در چه چیزی می‌دانید؟

□ کمبود فیلمنامه خوب.

□ پس صرفاً کارگردان نیست؟

□ خب کارگردان خیلی مهم است ولی بیشتر برمی‌گردد به فیلمنامه مطلوب. ما در حال حاضر داریم افرادی را که باید کار بکنند ولی نمی‌کنند من شخصاً دلایشان را نمی‌دانم ولی از این نوع بسیار هستند و در مقابل افراد بسیاری نیز هستند که کار می‌کنند و من شخصاً خجالت می‌کشم بگویم بازیگرم. زمانی که ما بازیگر خوب داشته باشیم می‌توانیم ادعایی در این رشته داشته باشیم. زمانی که همبازی مقابلتان خوب باشد می‌توانید بگوئید که بازیگرید و وقتی هم که بازیگر ضعیف باشد همه چیز مشخص است. الان دیگر خیلی‌ها بازی می‌کنند.

□ نظر مردم و منتقدین برایتان مهم است و یا چیزی را عوض می‌کند؟

□ خب ما کار فردی انجام نمی‌دهیم، حداقل پنجاه درصد کار باید رضایت خود ما باشد. و بقیه آن برمی‌گردد به نظر کارشناس‌ها و افرادی که با آنها مشغول کار هستیم و سپس مردم عامه و روشنفکر. بعضی کارهایی که فعلاً انجام می‌گیرد به اسم «برای مردم» می‌باشد. به همراه پایان‌های خوش آبکی. همین مردم به آنها می‌خندند. در حال حاضر مردم ما خیلی هوشیارند. من بارها دیده‌ام که افراد عادی نقد خوبی درباره فیلم یا شخص بازیگر را ارائه می‌دهند و درست هم می‌گویند. وقتی مردم تیزبینی داریم کلاه سیر خودمان می‌خواهیم بگذاریم. گاهی فکر می‌کنیم که مثلاً تماشاچی از کجا می‌فهمد! در صورتی که او از همه بهتر می‌داند.

□ در زمینه‌های دیگر هنری هم فعالیت می‌کنید؟

□ بهر حال تمام کسانی که کار هنری می‌کنند گریزی هم به مقولات دیگر می‌زنند. از مطالعه شعر، داستان، ... ولی من شخصاً به صرف بازیگری بدنبال هنر دیگری نرفته‌ام. من خودم داستان و نمایشنامه نوشته و کار کرده‌ام ولی بطور جدی یا آن برخورد نکرده‌ام. و به نظرم از این شاخه به آن شاخه پریدن هم شاید کار درستی نباشد اگر توانستیم به یک سمت درست برویم کار مثبتی انجام داده‌ایم. در حال حاضر اگر فرصتی پیش بیاید سعی دارم که کارهای کوتاه فیلمسازی را انجام دهم.

□ با تشکر از شما که وقتتان را در اختیار ما قرار دادید.